اشکال اول: جریان استدلال به پالایش تقیه مداراتی در تقیه القاء خلاف

من محضر این عالم جلیل القدر چند سؤال می‌پرسم. من شاگرد شاگرد ایشان حساب نمی‌شوم ولی سؤال مباحثه طلبگی است. همین چیزی که خود شما مفصل توضیح می‌دهید، در همین حرف خود شما هم هست. یعنی جاهایی که خود ائمه علیهم‌السلام اختلاف انداخته‌اند تا کشته نشوند، اینکه ماندگار نمی‌شود، چشمان بزرگان علماء شیعه باز بود که حکم و فقه اهل البیت کدام است. اینها را در کتاب هایشان باقی می‌گذاشتند. نه جایی که مثلاً در کوفه می‌خواستند «لئلا یعرفوا و یوخذ برقابهم». همین حرف خود شما توضیح می‌دهد که حرف شما هم جاری نیست.

شاگرد: البته یک فرقی دارد. این روایات قطعاً صادر شده و فضا هم مغبّر است. اگر شیعه بفهمد که دیگر اختلاف پیش نمی‌آید. اختلاف پیش آمده و زراره باورش شده. بالأخره باوری ایجاد می‌شود که اختلاف شده و این باور منتقل می‌شود. بعد هم حالا ما می‌توانیم بخوبی تحقیق کنیم و الآ یکی-دو نسل بعد از آنها ممکن است واضح نباشد.

شاگرد۲: تقیه را دو جور کرده‌اند. نسبت به تقیه ای که واضح بوده این جواب درست است. ولی جایی که القاء خلاف بوده و به دلائلی هنوز آثارش تا مدتها موجود باشد شاید نتوانند به این راحتی بفهمند.

شاگرد۳: ادعای ایشان این است که علماء روایات کذب، دس و تدلیس را حذف کرده‌اند ای مثل شیخ مفید تقیه‌ایها را هم حذف کرده‌اند؟ چون معروف است که اخباری ها شتات روایات را به‌خاطر تقیه می‌دانند. آیا ایشان خصوص تقیه را می‌فرمایند که توسط علماء پالایش شده؟ یا جعل و کذب و عدم صدور را می‌فرمایند؟

استاد: ایشان می‌گویند اصحاب، تقیه را در موافقت فتوا می‌دانند. در اصحاب را این قرار می‌دهند که تقیه ای که موافقت با آنها بوده را علماء کنار گذاشته‌اند، نه صرف کذب را. و الآ حرفشان سر نمی‌رسد. بله، در کلماتشان هست.

> **أقول: فانظر- أيدك الله تعالى- الى ما دل عليه هذا الحديث من توقف يونس في الأحاديث و احتياطه فيها. و هذا شأن غيره ايضا كما سيظهر لك ان شاء الله تعالى، و أمره (عليه السلام) بعرض ما يأتي من الأخبار من غير المؤتمن على الكتاب و السنة تحرزا من**

> **تلك الأحاديث المكذوبة[1]**

«أقول: فانظر- أيدك الله تعالى- الى ما دل عليه هذه الحديث من توقف يونس في الأحاديث و احتياطه فيها»؛ یونس در زمان معصومین. **«و هذا شأن غيره ايضا»؛** فقط یونس نبود. غیر او هم این قدر دقت داشتند. دقت در چه چیزی داشتند؟ دقت در این داشتند که فقط دروغ نباشد؟! ای نه، دقت درجایی‌که ناچار بودند و تقیه کردند نمادن؟! این است که عرض کردم شامل استدلال خود ایشان هم می‌شود. حال روی آن تأمل کنید. من چند سؤال ذیل فرمایش ایشان دارم. چون میدانم که مهم است. در این جهت در کل فقه کاربرد دارد.

---

[1] همان ۱۰

بازبینی #1
ایجاد شده 21 آوریل 2026 14:24:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 14:25:38 توسط ... .